

تأثیر عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران

نهضت حسینی صدر

دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

n.hoseinysadr@iau.ir

۰۹۱۴۴۶۲۱۲۸۵

دکتر محمدرضا ناهیدی امیر خیز (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

nahidi@iau.ac.ir

۰۹۱۴۳۱۷۲۱۹۸

دکتر رویا آل عمران

دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

1380111625@iau.ac.ir

۰۹۱۴۱۱۴۲۴۰۹

چکیده

هرگونه اصلاحات در زمینه عملکرد شاخص‌های سیاسی و نهادی همانند ارتقای کارایی‌های قوانین و مقررات، برقرار نمودن حاکمیت قانون، فراهم شدن امنیت لازم جهت فعالیت‌های کارآمد اقتصادی، ضمانت‌نمودن حقوق مالکیت، ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی و سیاسی، تسهیل مقررات در زمینه تولید و تجارت، توسعه نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضای سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و امثال آن، می‌تواند اقداماتی موثر در زمینه فراهم‌نمودن بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی تلقی شود. در این مقاله به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ پرداخته شده است. نتایج برآوردها حاکی از آن است که در بین شاخص‌های عوامل نهادی، در هر دو رژیم متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون خشونت، تأثیر مثبتی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در مقابل در هر دو رژیم، متغیرهای اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در نهایت، کیفیت مقررات در رژیم اول دارای تأثیر مثبت ولی در رژیم دوم، دارای تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: دولت، عوامل نهادی، بانکداری اسلامی، مارکوف سوئیچینگ.

طبقه بندی JEL: P48، O16، C24.

The effect of government institutions factors on Islamic banking system operation in IRAN

Nehzat Hosseini Sadr

Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
n.hoseinysadr@iau.ir
09144621285

Mohammad Reza Nahidi Amir Khiz (Corresponding Author)

Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
nahidi@iau.ac.ir
09143172198

Roya Aleemran

Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
1380111625@iau.ac.ir
09141142409

Abstract

Any reforms in the performance of political and institutional indicators, such as improving the efficiency of laws and regulations, establishing the rule of law, providing the necessary security for efficient economic activities, guaranteeing property rights, creating economic and political stability and stability, facilitating regulations in the field of production and trade. The development of economic institutions and economic infrastructures, the creation of a healthy, transparent and competitive environment in the economy and the like, can be considered as effective measures in the field of providing a suitable platform for investment in the Islamic banking system. In this article, the effect of indicators of government institutional factors (right to protest and accountability, political stability without violence, government effectiveness, quality of regulations, rule of law and corruption control) on the performance of the Islamic banking system in Iran during the period of 4:1378 to 4:1400 (based on seasonal data) has been discussed using Markov switching econometric technique. The results of the estimates indicate that among the indicators of institutional factors, in both regimes, the variables of the right to protest and accountability and political stability without violence have a positive effect on Islamic banking contracts. On the other hand, in both regimes, variables of government effectiveness, rule of law and corruption control have a negative effect on Islamic banking contracts. Finally, the quality of regulations in the first regime has a positive effect, but in the second regime, it has a negative effect on Islamic banking contracts.

Keywords: Government, institutional factors, Islamic banking, Markov switching.

JEL Classification: P48, O16, C24.

مقدمه

امروزه سهم عمده رشد و توسعه اقتصادی جوامع به بخش مالی ارتباط دارد. این بخش در تخصیص منابع به همه بخشهای اقتصادی، نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند و از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و نیز تشویق پس اندازها و استفاده بهینه از آنها منجر به رشد و توسعه بلندمدت اقتصادها می‌شود (خیاط رسولی و همکاران، ۱۳۹۹). توسعه بخشهای مالی به عنوان مکمل بخش واقعی اقتصاد از اهمیت وافر برخوردار می‌باشد. خدمتی که توسعه مالی برای بنگاه‌های اقتصادی انجام می‌دهد، سهولت دسترسی به منابع مالی است، بطوریکه سرمایه‌گذاران حداکثرکننده سود، در فضایی با فرصت‌های برابر، می‌توانند با کمترین هزینه، سرمایه‌های مدنظر خود را تأمین مالی کنند و صرفاً در این صورت است که سرمایه‌گذاری‌های بهینه در اقتصاد صورت می‌گیرد. در واقع می‌توان چنین ادعان داشت که به واسطه توسعه مالی، دسترسی عمیق و گسترده به سرمایه و خدمات مالی فراهم می‌شود. لذا توسعه مالی از یکسو می‌تواند منجر به تخصیص بهینه منابع گردد که در نتیجه آن، منابع موجود در حد اشتغال کامل مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و نهایتاً منجر به تولید و افزایش رفاه جامعه می‌شود و از سوی دیگر با افزایش سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود، منجر به افزایش تولید می‌شود (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۱).

هرگونه اصلاحات در زمینه عملکرد شاخص‌های سیاسی و نهادی نیز همانند ارتقای کارایی‌های قوانین و مقررات، برقرار نمودن حاکمیت قانون، فراهم شدن امنیت لازم جهت فعالیت‌های کارآمد اقتصادی، ضمانت‌نمودن حقوق مالکیت، ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی و سیاسی، تسهیل مقررات در زمینه تولید و تجارت، توسعه نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضای سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و امثال آن، می‌تواند اقداماتی موثر در زمینه فراهم‌نمودن بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی تلقی شود. درواقع، عدم ثبات و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، افزایش فساد در نظام اداری و اجرایی کشور، ناکارآمدبودن نظام قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، عدم عدالت و ...)، وجود تنش‌های داخلی و بین‌المللی، عدم کارآمدی قوانین و مقررات، باعث ارتقای هزینه‌های معاملاتی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری شده، که عواقب آن در نظام بانکداری اسلامی نیز جلوه‌گر خواهد شد، بطوریکه در بلندمدت رکود شدید و گسترده‌ای بر چنین بازار مالی سایه می‌افکند و مانع بزرگی را در جهت توسعه رضایت‌بخش و مطلوب این بازار ایجاد خواهد شد. تلاش پژوهش حاضر این است که به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ^۱ بپردازد. فرضیات پژوهش حاضر نیز به شرح زیر ارائه می‌شوند:

فرضیات اصلی:

- ۱- حق اعتراض و پاسخگویی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
- ۲- ثبات سیاسی بدون خشونت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
- ۳- اثربخشی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
- ۴- کیفیت مقررات بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
- ۵- حاکمیت قانون بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

^۱ Markov Switching (MS).

۶- کنترل فساد بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

فرضیات فرعی:

- ۱- تورم بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
- ۲- رشد اقتصادی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

۱- مبانی نظری

۱-۱- بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی بر مبنای اصل مشارکت در سود و زیان شکل گرفته و بر بخشهای حقیقی اقتصاد و سرمایه گذاری در این بخشها تأکید می نماید و همین امر آن را از بانکداری سنتی متفاوت می سازد. مبنای بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی بوده و بر این اساس، در بانکداری اسلامی وجوه سپرده گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و در قالب عقود معین، سرمایه گذاری می شود. این ساز و کار بانکهای اسلامی در سالهای اخیر، به خصوص پس از بحران جهانی، مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و بانکداران قرار گرفته و تقاضا برای خدمات بانکداری اسلامی، بیش از پیش، افزایش یافته است (شهبازخانی و صادقی، ۱۳۹۴). در واقع، گسترش و ثبات بانکداری اسلامی طی سالهای اخیر و بروز بحران های مالی و عدم توانایی نظام بانکداری متعارف در پیشگیری از بروز آنها، سبب شده تا توجه پژوهشگران و مقامات اقتصادی کشورها بیش از پیش نسبت به نقش و اهمیت بانکداری اسلامی معطوف شده و در راستای توسعه آن گام بردارند. به طور کلی بانک اسلامی، یک مؤسسه بانکی تعریف شده که بهره (ربا) دریافت یا پرداخت نمی نماید. بنابراین تعریف بانک اسلامی پول های مشتریان خود را بدون تعهد مستقیم یا غیر مستقیم به پرداخت پاداش ثابت به سپرده های آنها دریافت می کند اما باز پرداخت اصل سپرده ها را به هنگام درخواست مشتری تضمین می کند. بانک اسلامی، وجوه نزد خود را (بدون وام دادن با بهره) در فعالیت های تجاری و سرمایه گذاری به کار می گیرد (یعنی بر اساس مشارکت در سود) و در صورتی که فعالیت مورد نظر زیان کند بانک نیز همانند سایر شرکاء در زیان سهم خواهد شد (شاهین پور، ۲۰۰۹). در مقایسه تفاوت بانک اسلامی با سایر بانک ها از دیدگاه این تعریف فقط یک ویژگی وجود دارد و آن عدم استفاده از بهره در معاملات بانک است. البته این شرط برای وجود بانک اسلامی ضروری است اما کافی نیست زیرا در غیر بانک های اسلامی نیز مواردی از بانک ها در دنیا وجود دارد که از تأمین مالی مبتنی بر بهره استفاده نمی کنند. برای تکمیل تعریف بانک اسلامی لازم است شرط دیگری به شرط عدم معامله با بهره (ربا) اضافه نمود و آن التزام به اصول شریعت اسلامی در تمام فعالیت ها و معاملات (و به دنبال آن عدم به کار گیری منابع مالی در فعالیت های غیر مشروع) و التزام به مقاصد شریعت در تأمین منابع و مصالح جامعه اسلامی می باشد. بنابراین بانک اسلامی منابع مالی (در اختیار خود) را به بهترین فعالیت های ممکن تخصیص داده و علاوه بر آن بر مبنای ارزش های اخلاقی و اصول شرعی برای تأمین منافع فردی (در ضمن مصالح اجتماعی) به مشتریان خود مشاوره می دهد. ناگفته پیداست که این تعریف از بانک اسلامی (که در آن عدم کاربرد بهره شرط ضروری و عمل به شریعت

¹.Shahinpoor

شرط کافی است) مسئولیت سنگینی به دوش این مؤسسه می افکند. خصوصاً در شرایط امروزین کشورهای اسلامی که در تمام زمینه های تولیدی و تأمین مالی لازم است منابع خود را به طور کامل و با بیشترین کارایی به کار گیرند. تا بتوانند در فرآیند توسعه و زدودن فقر به موفقیت دست یابند. در این مقاله تعریف کامل بانک اسلامی مد نظر قرار گرفته است. زیرا ما به فعالیت هایی که این مؤسسه باید انجام دهد توجه می کنیم نه به آنچه که مؤسسات بانکی اسلامی تجربه نموده اند. اگر چه تجربه ی بانک های اسلامی (با همه ی محدودیت ها و مشکلات) حاکی از آن است که بعضی از این بانک ها در زمینه ی توسعه ی اقتصادی از سایر بانک ها مؤثر تر بوده اند اما اقتضای وجودی بانک های اسلامی در زمینه توسعه، تلاش بیشتری را طلب می کند. این تلاش نه فقط برای برداشتن موانع، بلکه برای تحول و تکامل ابزار و وسایل مورد استفاده در بهره برداری از منابع مالی ضروری است (سرابی نوبخت و معدنچی، ۱۳۹۷). عمده عقود بانکداری اسلامی در ایران عبارتند از:

۱) قرض الحسنه: قراردادی است که در آن یکی از طرفین قرارداد مقدار معینی از مال خود را در زمان حال به دیگری واگذار می کند. در مقابل، قرض گیرنده، متعهد می شود که عین مال یا قیمت آن را در زمان معین باز پس دهد. یک طرف قرارداد می تواند بانک و طرف دیگر مشتری بانک باشد.

۲) مضاربه: قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می کند و طرف دیگر با آن به تجارت می پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می شود.

۳) مشارکت مدنی: قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می آمیزند.

۴) مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود را خریداری می کند و از این طریق در سود آن ها شریک می شود.

۵) فروش اقساطی: بانک ها بنا به تقاضای کتبی مشتریان خود، ماشین آلات و تأسیساتی را که عمر مفید آن ها بیش از یک سال است، خریداری می کنند و به صورت قسطی به مشتریان می فروشند.

۶) معاملات سلف: بانک محصولات تولیدی آینده بنگاه ها را پیش خرید می کند. این قرارداد از ناحیه فروشنده پیش فروش یا قرارداد سلف نامیده می شود.

۷) اجاره به شرط تملیک: طبق این قرارداد، بانک مورد اجاره را تهیه کرده و در اختیار مشتری قرار می دهد و در صورتی که مستأجر به تعهدات خود عمل کرده و اقساط را تأدیه نماید، در پایان مدت اجاره، مالک عین مال مورد اجاره می شود.

۸) جعاله: طبق قرارداد، کارفرما تعهد می کند که در قبال عمل مشخص کارگزار یا عامل، اجرت معینی به او بپردازد (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

۹) مرابحه: اوراق مرابحه اوراق بهاداری است که دارندگان آنها به صورت مشاع، مالک دارایی مالی (دینی) هستند که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است و دارنده ورق مالک و طلبکار آن دین است. این اوراق بازدهی ثابت داشته و قابل فروش در بازار ثانوی می باشند.

۱۰) استصناع: دولت، شهرداری ها، شرکت های دولتی و بخش خصوصی برای تأمین مالی طرح های عمرانی و توسعه ای می توانند از طریق استصناع اقدام کنند. این اوراق بهاداری است براساس قرارداد استصناع (سفارش ساخت) طراحی شده است.

۱۱) سرمایه گذاری مستقیم: عبارتست از تامین سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی و طرحهای عمرانی انتفاعی توسط بانکها. نسبت سرمایه به کل منابع مالی لازم برای اجرای طرح، تا مرحله بهره‌برداری نباید از چهل درصد کمتر باشد.

۱۲) خرید دین: طبق این قرارداد، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری متعلق به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی را تنزیل کنند (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

۱-۲- عوامل نهادی

کافمن و همکارانش در بانک جهانی برای عوامل نهادی، شش شاخص حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را بیان کردند: حق اعتراض و پاسخگویی: از منظر بانک جهانی، این شاخص نمایانگر مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است که عمدتاً تحت عنوان شاخص دموکراسی مطرح می‌گردد. براساس این شاخص، هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیأت حاکم داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکلهای و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی، استقلال بیشتری داشته باشند و افرادی که زمامدار امور جامعه می‌باشند و قدرت را در جامعه در دست دارند، پاسخگوی اعمال خود باشند و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را اعلام کنند، این امر نشان‌دهنده وضعیت بهتر عملکرد عوامل نهادی است.

ثبات سیاسی بدون خشونت: ثبات سیاسی بدون خشونت مبین احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طریق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز می‌باشد. عمدتاً بحث این شاخص روی تروریسم و خشونت می‌باشد. براساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده عملکرد ضعیف عوامل نهادی است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه عوامل نهادی، امتیاز بالاتری را کسب می‌کند. از منظر بانک جهانی نیز، این شاخص گویای مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا می‌باشد.

اثر بخشی دولت: از منظر بانک جهانی، کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت سیستم بازار مورد توجه واقع گردیده است. همچنین این شاخص به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی همانند پاسخگویی و شفافیت اشاره دارد. این شاخص همچنین، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را نیز توضیح می‌دهد.

کیفیت مقررات: از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارها است که با نام کیفیت بوروکراسی نیز مطرح می‌گردد. به‌بیانی دیگر منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی می‌باشد که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌گردد. حضور هرچه بیشتر بخش

¹.Kauffman et al

خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین‌شده از سوی دولت، نشانه‌ای از عملکرد بهتر عوامل نهادی در جامعه می‌باشد.

حاکمیت قانون: اینکه تا چه حد قوانین سیاسی در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آنها تکیه کرد، با این شاخص ارزیابی می‌گردد. از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت همانند مولفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون می‌باشد.

کنترل فساد: از منظر بانک جهانی، این شاخص مفاهیمی همانند فساد در میان مقامات رسمی یا همان سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را سنجش می‌کند. لازم بذکر است که این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را پوشش می‌دهد (بانک جهانی، ۲۰۲۴ و خانه آزادی، ۲۰۲۴).

۱-۳- مجاری تأثیرگذاری عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی

جهت بررسی‌های دقیق‌تر نیز، در ذیل به نحوه تأثیرگذاری تک‌تک مولفه‌های عوامل نهادی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد)، بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی پرداخته می‌شود:

حق اعتراض و پاسخگویی: دولت دموکراتیک با حمایت از حقوق بشر از طریق افزایش حق اعتراض و پاسخگویی، اجازه مشارکت بیشتری را در توزیع مناسب‌تر امکانات مالی فراهم می‌سازد. چراکه با تشویق مباحثات آزاد در مورد سیاست‌مداران و سیاست‌ها، هم امکان تداوم نظام حاکم بر جامعه افزایش می‌یابد و از طرفی نیز این امر، زمینه‌های فرار مغزها را کاهش داده و ضمن تقلیل مخارج ریسک سرمایه‌گذاری، زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر را در نظام بانکداری اسلامی فراهم می‌سازد و همین امر نیز، بسترهای مولد را جهت ارائه خدمات بانکی بیشتر در جوامع اسلامی فراهم کرده و لذا زمینه‌های اعطای تسهیلات بیشتر و متنوع تر عقود بانکداری اسلامی را مهیا می‌کند. درواقع، حق اعتراض و پاسخگویی با حفظ حقوق مالکیت، مشوق سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی بوده و با اجازه ابراز نظرات و عقاید، سبب کارایی بیشتر در تخصیص منابع بانکهای اسلامی می‌شود (آهنگری و رضائی، ۱۳۹۰).

ثبات سیاسی بدون خشونت: ثبات سیاسی بدون خشونت از کانال سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی می‌تواند بر اعطای تسهیلات این بانکها اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی، اثرش مثبت است. به‌طور مثال، اطمینان سیاسی با ثبات سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز کاهش می‌دهد. در واکنش به این امر، نرخ سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌های بلندمدت اسلامی و با بهره‌وری بالا افزایش می‌یابد. افزون بر این، کارائی مالی حاصله به‌واسطه ثبات سیاسی، مانند عملکرد بهتر جدول زمانی سرمایه‌گذاری، ارائه خدمات نهایی متناظر داده‌های سرمایه‌گذاری را در این بانکها افزایش خواهد داد. لذا نتیجه‌گیری می‌شود که ثبات سیاسی بدون خشونت، از طریق اثر مثبت خود روی بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی، تسهیلات اعطایی این بانکها را

¹.World Bank

².Freedom House

تحت تاثیر مثبتی قرار می‌دهد (چئونا و همکاران^۱؛ ۲۰۱۰). ولی اگر در جامعه‌ای، زمینه‌های ایجاد ثبات اقتصادی با خشونت همراه باشد، طبیعی است که در چنین حالتی، امکان تنش‌های نژادی و قومی و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به میزان قابل توجهی محتمل است و همین امر باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران در چنین کشوری، احساس امنیت نکنند و از عنوان کردن دارایی‌هایشان و سرمایه‌گذاری امتناع کنند. در چنین حالتی، سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه خود را به کشورهای دیگری منتقل کنند یا این که سرمایه خود را در پروژه‌های کوچک و کوتاه‌مدت غیر اسلامی به کار اندازند و لذا همین امور می‌تواند موجبات کاهش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی و لذا ارائه تسهیلات کمتر عقود بانکداری اسلامی را به همراه داشته باشد (مسرون^۲؛ ۲۰۱۳).

اثر بخشی دولت: دولت اثربخش و کارا، پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی به خدمات، کیفیت و سرمایه‌های مالی و ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری و بهره‌وری پایدار می‌باشد. دولت‌های اثربخش به واسطه حمایت‌های حسابگرانه، می‌توانند با تضمین حقوق مالکیت، از سرمایه‌گذاران داخلی حمایت کرده و انگیزه‌های افزایش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی را فراهم کنند و از این طریق، زمینه‌ساز افزایش اعطای تسهیلات بانکهای اسلامی گردند. درواقع واقعیت این است که دستیابی به بهره‌وری پایدار و باثبات در بانکهای اسلامی، زمانی محقق می‌شود که نظام اقتصادی از دخالت‌های غیرضروری دولت، محفوظ بماند. البته این به معنای حذف کامل دولت در عرصه اقتصاد نیست، بلکه هدف از اثربخشی دولت، سیاست‌گذاری صحیح دولت است که می‌تواند روند توزیع مجدد درآمد، ثبات اقتصادی و تخصیص منابع و مدیریت نظام تصمیم‌گیری عمومی را بهبود بخشد تا از این طریق، زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در بانکهای جوامع اسلامی گردد.

کیفیت مقررات: دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب نظام بانکداری در جوامع اسلامی داشته باشد. درواقع، جامعه‌ای توسعه‌یافته می‌باشد، که قانون و مقررات در آن، درحد بهینه باشد، نه چنان کم، که منجر به رفتارهای بدون قاعده و پرهزینه گردد و امور جامعه را مختل کند و نه چنان زیاد، که راه را برای انتخاب بهینه افراد ببندد (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲). قوانین و مقررات اختلال‌زا از قبیل، مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بیش از حد بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و بار مالیاتی بالا، در مسیر راه‌اندازی فضاهای سرمایه‌گذاری محدودیت ایجاد می‌کند و منجر به افزایش هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری اسلامی می‌شود، که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، مانعی بر مسیر رشد سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی ایجاد می‌کند و این امر نیز می‌تواند منجر به کاهش اعطای تسهیلات این بانکها گردد. براین اساس، جهت نیل به کارایی بیشتر بانکهای اسلامی، لحاظ کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری این جوامع، ضروری می‌باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶).

حاکمیت قانون: حاکمیت قانون به واسطه حمایت از حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و مهم‌تر از همه، با ایجاد کارآفرینی، زمینه بهبود عملکرد نهادهای پولی-مالی را فراهم می‌کند. بارو^۳ معتقد است، از آنجائیکه مردم به دنبال نفع شخصی هستند، فقط در صورتی به عهده‌گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند که، احتمال منطقی از منتفع شدن از کوششان موجود باشد. بنابراین اگر به واسطه حاکمیت قانون، حقوق مالکیت در جامعه

¹.Cheona et al

².Masron

³.Barro

خوب تأمین شده باشد، مردم به افزایش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی اقدام می‌کنند و پرواضح است که در چنین حالتی از طریق افزایش میزان سپرده‌ها، زمینه برای اعطای تسهیلات هرچه بیشتر از طریق عقود بانکداری اسلامی می‌گردد (بالسرزاک و پیترزاک؛ ۲۰۱۶). ولی اگر در جامعه‌ای نظم و قانون حاکم نباشد، در چنین حالتی، عدم اعتنا به قراردادهای به‌ویژه از جانب دولت‌ها می‌تواند رواج داشته باشد و سرمایه‌گذاران (اعم از داخلی و خارجی)، می‌توانند با خطرات مصادره اموال خود از جانب دولت‌ها مواجه شوند. پرواضح است که در چنین وضعیتی، سرمایه‌گذاران از هزینه‌کردن بر روی پروژه‌های بانکهای اسلامی نیز، امتناع می‌کنند و از اینرو زمینه‌های لازم برای حمایت مالی از وام‌گیرندگان، محدود گشته و همین امر می‌تواند منجر به کاهش اعطای تسهیلات بانکداری اسلامی گردد (مسرون؛ ۲۰۱۳).

کنترل فساد: با کنترل فساد، امکان تخصیص بهینه استعدادهای جامعه و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد، جامعه از پتانسیل‌های واقعی خود برخوردار شده و زمینه‌های گسترش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز فراهم می‌گردد. موروتیز معتقد است که کنترل فساد، سبب حرکت سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آنها کمتر است (با توجه به میزان ضرورت پروژه) می‌گردد، که این امر سبب حرکت منابع به‌ویژه سرمایه‌های انسانی به سمت فعالیت‌های نوآورانه می‌شود. پرواضح است که در چنین حالتی، سود حاصل از پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز می‌تواند افزایش یابد، لذا انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در این بانکها مهیا می‌شود و همین امر نیز منجر به افزایش روند اعطای تسهیلات بانکی در جوامع اسلامی می‌شود (فوستر و همکاران؛ ۲۰۱۲). ولی در صورت وجود فساد در ارگان‌های دولتی، نوعی بی‌اعتمادی از جانب بخش خصوصی نسبت به دولت ایجاد می‌شود و این بی‌اعتمادی نیز در قالب اشکال مختلف من‌الجمله خودداری از سرمایه‌گذاری‌های کارآمد و درپیش‌گرفتن سیاست‌های صبر و انتظار جلوه خواهد نمود. طبیعی هست که در چنین وضعیتی، روند سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز نمی‌تواند چشم‌گیر باشد (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲).

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر از جهت رویکرد تأثیری عوامل نهادی، صرفاً روی نظام بانکداری اسلامی حائز نوآوری است. چراکه در مطالعات مشابه در حیطه مطالعات محقق، این رویکرد از جهت سایر متغیرهای بانکی بوده که نگاهی به مولفه‌های بانکداری اسلامی نداشته‌اند. لذا در پژوهش حاضر با ارائه مدل جامع‌تری، تلاش بر این است که با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ، به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران پرداخته شود.

¹.Balcerzak & Pietrzak

².Masron

³.Mauro

⁴.Foster et al

۲-۱- مطالعات خارجی

(آسوتای و مهدسایدک، ۲۰۲۰)؛ در مطالعه‌ای تحت عنوان «اقتصاد سیاسی رشد بانکداری اسلامی: آیا رژیم و نهادهای سیاسی، حاکمیت و ریسک‌های سیاسی دارند؟»، به بررسی تأثیر عوامل نهادی_سیاسی بر رشد بانکداری اسلامی پرداختند. این مطالعه برای ۱۶ کشور اسلامی طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ انجام شد و جهت برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت‌های گشتاورهای تعمیم یافته و حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد. نتایج گویای این امر بود که، تأثیرپذیری رشد وام‌های بانکهای اسلامی از عوامل نهادی_سیاسی مثبت می‌باشد، هرچند که این امر بسته به نوع عوامل نهادی می‌تواند رشد کندتر یا سریع‌تری را به همراه داشته باشد.

(توی و مموگلی، ۲۰۲۰)؛ در مطالعه‌ای تحت عنوان «محیط نهادی و عوامل تعیین‌کننده سرعت تعدیل ساختار سرمایه در منطقه MENA»، به بررسی تأثیر عوامل موثر بر ساختار مالی شرکت‌های فهرست شده در منطقه MENA پرداختند. جهت نیل به این مقصود از اطلاعات ۵۰۶ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار در ۱۲ کشور منطقه MENA بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ استفاده شد. نتایج برآورد مدل به شیوه گشتاورهای تعمیم یافته حاکی از این امر بود که، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی بدون خشونت (به عنوان شاخص‌های عوامل نهادی) در برخی موارد دارای تأثیر مثبت و در برخی موارد دارای تأثیر منفی بودند. هرچند که بدلیل شرایط کشورهای مورد بررسی، ضرایب مثبت تأثیرگذار چندان چشم‌گیر نبودند.

۲-۲- مطالعات داخلی

(عزتی و همکاران، ۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای اسلامی منتخب»، به ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب اسلامی پرداختند. مدل تجربی این بررسی، با داده‌های دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از روش رگرسیون EGLS برآورد شده است. نتایج نشان داد که شاخص‌های نهادی مربوط به حکمرانی خوب بر شاخص ترکیبی توسعه مالی اثر مثبتی داشته‌اند. در برابر، شاخص دموکراسی اثر منفی بر توسعه مالی داشته است.

(عزیزی و همکاران، ۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا)»، به بررسی شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی در ۲۷ کشور در حال توسعه منطقه اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۹ پرداختند. بر این اساس، یک الگوی اقتصادسنجی تصریح و به روش گشتاورهای تعمیم یافته در داده‌های پانل برآورد گردید. نتایج حاصل از این مطالعه دلالت بر این داشت که کیفیت بالای نهادها، دموکراسی بالاتر و حمایت حقوق مالکیت، اثر مثبت و معناداری بر توسعه مالی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

¹. Asutay & Mohd Sidek

². Touil & Mamoghli

۳- روش شناسی و معرفی مدل

در این پژوهش، تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ^۱ استفاده می‌شود. ازجمله ویژگی‌های روش مارکوف سوئیچینگ، می‌توان به موارد اشاره نمود:

- منطق نهفته در مدلسازی مارکوف سوئیچینگ، داشتن یک ترکیب از توزیع‌هایی با ویژگی‌های مختلف می‌باشد. این توزیع‌ها، مقدار جاری متغیر را نشان می‌دهند.

- همه پارامترهای مدل در طول رژیم‌های مختلف، مطابق با یک فرآیند مارکوف، چرخش می‌یابند.

- مارکوف سوئیچینگ، امکان انتقال بین حداقل دو رژیم و بیشتر را بررسی می‌کند که مبین یک رنجیره مارکوف با N رژیم می‌باشد (صداقت و همکاران، ۱۳۹۸).

- در این روش برای هر وضعیت، معادله جداگانه‌ای برآورد می‌شود و رفتار متغیرها طی رژیم‌های رکود و رونق، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- در این روش، عاملی که باعث تغییر رژیم (تغییر وضعیت) می‌شود، متغیر وضعیت (متغیر پیشرو) می‌باشد که غیرقابل مشاهده است.

- تکنیک مارکوف سوئیچینگ، فروض کمتری را بر توزیع مولفه‌های مدل وارد می‌کند (هایات و کاهلیک،^۲ ۲۰۱۷).

- روش مارکوف سوئیچینگ از ماهیت خود داده‌ها استفاده می‌کند و آنها را تغییر نمی‌دهد. لذا در این روش، متغیرها در هر حالتی مانا شوند، به همان صورت در مدل وارد می‌شوند.

- تغییر رژیم در این روش به صورت درونزا تعیین می‌شود. به عبارتی، پیش فرض خاصی وجود ندارد و براساس فرآیند تولید داده‌ها، تصمیم‌گیری می‌شود.

- این روش، قابلیت عدم تقارنی رژیم‌ها را در نظر می‌گیرد. دربینی، رفتار متغیرها را در دوره‌های رکود و رونق مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

- در این روش، زمان‌های دقیق تغییرات و شکست‌های ساختاری، تعیین می‌شود.

- در این روش، قابلیت پیش‌بینی بین رژیم‌ها وجود دارد. به عبارتی، احتمال انتقالات بین رژیم‌های رکود و رونق، محاسبه می‌گردد (چنگ و همکاران،^۳ ۲۰۱۹).

مطالعه حاضر بر مبنای مبانی نظری و مطالعات تجربی و علی‌الخصوص مطالعه آسوتای و مهدسایدک^۴ (۲۰۲۰)، می‌باشد که متغیرهای دیگری نیز، بر اساس هدف پژوهشگر به شکل تئوریک در مدل وارد شده است، که فرم تبعی آن بصورت زیر می‌باشد:

^۱ Markov Switching (MS)

^۲ Hayat & Cahlik

^۳ Cheng et al

^۴ Asutay & Mohd Sidek

$$IBO_t = f(IF1_t, IF2_t, IF3_t, IF4_t, IF5_t, IF6_t, INF_t, Y_t)$$

که به شکل زیر تصریح شده است:

$$IBO_t = \alpha_0 + \alpha_1 IF1_t + \alpha_2 IF2_t + \alpha_3 IF3_t + \alpha_4 IF4_t + \alpha_5 IF5_t + \alpha_6 IF6_t + \alpha_7 INF_t + \alpha_8 Y_t + \varepsilon_{it}$$

IBO: بیانگر شاخص عملکرد نظام بانکداری اسلامی می باشد که مبین تسهیلات اعطایی بانکها بصورت عقود شامل تسهیلات قرض الحسنه، مضاربه، سلف، مشارکت مدنی، جعاله، فروش اقساطی، مرابحه، استصناع، اجاره به شرط تملیک، مشارکت حقوقی، سرمایه گذاری مستقیم و خرید دین، است. شاخص های عوامل نهادی دولت عبارتند از:

IF1: بیانگر حق اعتراض و پاسخگویی می باشد، که از منظر بانک جهانی این شاخص، مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات را دربر می گیرد؛

IF2: گویای ثبات سیاسی بدون خشونت می باشد، که از نظر بانک جهانی این شاخص، از مفاهیمی همانند ناآرامی های اجتماعی، ترور و اعدام های سیاسی، کودتا، آشوب های شهری، تنش های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا ناشی می شود؛

IF3: مبین اثربخشی دولت می باشد، که از منظر بانک جهانی این شاخص، عمدتاً بیانگر توانایی دولت در قانون گذاری، دآوری دادگاه ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران می باشد؛

IF4: بیانگر کیفیت مقررات می باشد، که از نظر بانک جهانی این شاخص، مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست های رقابتی، موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای و دسترسی به بازارها را دربر می گیرد؛

IF5: گویای حاکمیت قانون می باشد، که طبق استناد بانک جهانی، اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش بینی دستگاه قضایی، وجود جرم های سازمان یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مولفه های اصلی سنجش شاخص حاکمیت قانون می باشند؛

IF6: مبین کنترل فساد می باشد، که طبق استناد بانک جهانی این شاخص، از مفاهیمی چون فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه های خارجی و پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی ناشی می شود.

INF: بیانگر نرخ تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف کننده می باشد.

Y: بیانگر رشد اقتصادی می باشد، که از تولید ناخالص داخلی حاصل می شود.

لازم بذکر است که، اطلاعات مربوط به شاخص‌های عوامل نهادی از وب سایت بانک جهانی^۱، گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به بانکداری اسلامی و تورم، از وب سایت بانک مرکزی و اطلاعات رشد اقتصادی از وب سایت مرکز آمار ایران استخراج شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل نیز، از نرم افزارهای Eviews و OxMetrics استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آزمون مانایی

برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون انجی پرون^۲ استفاده شده است. خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی

متغیر	آماره
LnIBo	-۲/۳۲۷۵
LnY	-۴/۹۵۷۵
INF	-۷/۶۸۹۳
LnIF1	-۳۰/۸۲۸۴
LnIF2	-۴/۲۲۸۵
LnIF3	-۵۲/۹۷۷۷
LnIF4	-۱۲/۱۴۵۸
LnIF5	-۱۵/۱۰۶۷
LnIF6	-۶/۱۴۱۷

منبع: محاسبات تحقیق

همانطور که از جدول شماره (۱) قابل مشاهده است، تمامی متغیرها در سطح مانا می‌باشند، لذا نیازی به تفاضل‌گیری وجود ندارد ($I(0)$).

۴-۲- آزمون غیرخطی

برای اینکه از غیرخطی بودن الگوی داده‌ها اطمینان حاصل کرد، از آزمون درست‌نمایی^۳ هانسن استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار آماره از مقادیر بحرانی در سطح اطمینان مورد نظر بیشتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل خطی در آن سطح، مدل مناسب نبوده و باید از مدل غیرخطی استفاده نمود. همانطور که از نتایج جدول فوق پیداست در مدل مورد بررسی، مقدار آماره LR از مقادیر بحرانی آن بزرگتر می‌باشد و لذا می‌توان نتیجه گرفت که بجای الگوی خطی، باید از روش غیرخطی استفاده نمود.

^۱. World Bank

^۲. Ng-Perron

^۳. Likelihood Ratio Test

جدول (۲): نتایج آزمون غیرخطی

احتمال	مقدار آماره
۰/۰۰۰۱	۷۹/۳۲۹

منبع: محاسبات تحقیق

۳-۴- تخمین مدل

جدول (۳): نتایج برآورد مدل

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
رژیم ۱				
۰/۰۰۰۰	۲۰۹/۵۴۱۳	۰/۲۳۵۹	۴۹/۴۴۸۶	C
۰/۰۶۱۷	۱/۸۶۸۲	۰/۰۱۳۰	۰/۰۲۴۳	IF1
۰/۰۰۰۰	۱۰/۰۳۹۱	۰/۲۶۶۳	۲/۶۷۴۰	IF2
۰/۰۰۰۰	-۷/۱۴۶۸	۰/۳۷۰۳	-۲/۶۴۶۷	IF3
۰/۰۰۰۰	۴/۶۴۵۱	۰/۲۲۵۹	۱/۰۴۹۴	IF4
۰/۰۰۰۰	-۵/۶۴۶۰	۰/۳۸۲۷	-۲/۱۶۱۲	IF5
۰/۰۰۰۰	-۹/۸۳۸۸	۰/۳۹۶۶	-۳/۹۰۲۲	IF6
۰/۰۹۵۷	۱/۶۶۵۸	۰/۰۴۳۴	۰/۰۷۲۴	LnY
۰/۰۰۰۶	-۳/۴۲۷۶	۰/۰۰۳۸	-۰/۰۱۳۳	INF
رژیم ۲				
۰/۰۰۰۰	۱۹۵/۹۵۳۴	۰/۲۴۳۶	۴۷/۷۴۳۹	C
۰/۰۰۰۰	۴/۱۲۸۱	۰/۰۱۷۰	۰/۰۷۰۳	IF1
۰/۰۰۸۳	۲/۶۴۱۴	۰/۱۱۲۱	۰/۲۹۶۲	IF2
۰/۰۱۰۳	-۲/۵۶۵۰	۰/۲۰۳۰	-۰/۵۲۰۷	IF3
۰/۰۰۲۰	-۳/۰۹۵۶	۰/۲۵۰۹	-۰/۷۷۶۷	IF4
۰/۰۰۴۹	-۳/۸۱۱۴	۰/۳۲۲۵	-۰/۹۰۶۷	IF5
۰/۰۰۰۰	-۴/۴۰۹۸	۰/۲۶۸۸	-۱/۱۸۵۷	IF6
۰/۰۰۱۷	۳/۱۳۷۴	۰/۰۲۴۲	۰/۰۷۶۰	LnY
۰/۰۱۵۸	-۲/۴۱۳۷	۰/۰۰۲۵	-۰/۰۰۶۲	INF

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل در رژیم اول (رونق) را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۰۲ می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

ثبات سیاسی بدون خشونت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۲). ضریب این متغیر معادل ۲/۶۷ می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

اثر بخشی دولت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۳). ضریب این متغیر معادل ۲/۶۴- می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در اثر بخشی دولت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۴). ضریب این متغیر معادل ۱/۰۴ می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در کیفیت مقررات، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۵). ضریب این متغیر معادل ۲/۱۶- می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در حاکمیت قانون، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۶). ضریب این متغیر معادل ۳/۹۰- می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در کنترل فساد، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

تورم بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۱). ضریب نرخ تورم معادل ۰/۰۱- می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در تورم، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

رشد اقتصادی بر عقود نظام بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۲). ضریب رشد اقتصادی معادل ۰/۰۷ می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در رشد اقتصادی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

نتایج حاصل از برآورد مدل در رژیم دوم (رکود) را می توان به شرح زیر ارائه نمود:

حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۰۷ می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

ثبات سیاسی بدون خشونت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۲). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۹ می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

اثر بخشی دولت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح پنج درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۳). ضریب این متغیر معادل $-0/52$ - می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در اثر بخشی دولت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۴). ضریب این متغیر معادل $-0/77$ - می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در کیفیت مقررات، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۵). ضریب این متغیر معادل $-0/90$ - می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در حاکمیت قانون، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۶). ضریب این متغیر معادل $-1/18$ - می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در کنترل فساد، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

تورم بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح پنج درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۱). ضریب نرخ تورم معادل $-0/06$ - می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در تورم، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می یابد.

رشد اقتصادی بر عقود نظام بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۲). ضریب رشد اقتصادی معادل $0/07$ + می باشد که بیانگر این امر است که به ازای افزایش در رشد اقتصادی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می یابد.

۴-۴- برآورد احتمال انتقال هریک از رژیم ها

جدول (۴): احتمال انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر

رژیم ۲	رژیم ۱	رژیم ۱
۰/۱۰۴۳	۰/۸۹۵۶	رژیم ۱
۰/۹۳۱۹	۰/۰۶۸۳	رژیم ۲

منبع: محاسبات تحقیق

در مدل فوق، احتمال ماندن در رژیم اول (رونق) معادل $0/89$ + و احتمال ماندن در رژیم دوم (رکود) معادل $0/93$ +، می باشد. این امر نشان دهنده پایداری بیشتر رژیم دوم نسبت به رژیم اول می باشد. احتمال انتقال از رژیم اول به رژیم دوم نیز معادل $0/10$ + و احتمال انتقال از رژیم دوم به رژیم اول معادل $0/06$ + می باشد. این امر نشانگر موقتی تر بودن رژیم اول و انتقال سریع از رژیم اول به رژیم دوم می باشد.

۴-۵- برآورد ویژگی‌های هریک از رژیم‌ها

جدول (۵): ویژگی‌های هریک از رژیم‌ها

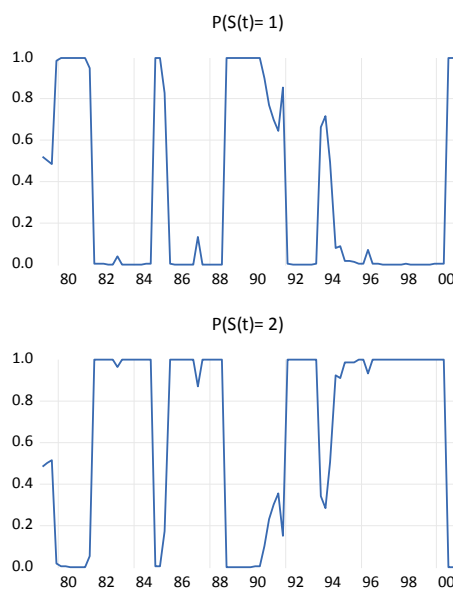
	میانگین دوره قرارگرفتن در رژیم مورد نظر
رژیم ۱	۹/۵۸۳۴
رژیم ۲	۱۴/۶۳۳۱

منبع: محاسبات تحقیق

این جدول میانگین طول کل دوره‌ها (فصل‌ها) را نشان می‌دهد که بیانگر این امر است که، متوسط ماندن در رژیم اول، جمعا در حدود ۹/۵۸ دوره می‌باشد و متوسط ماندن در رژیم دوم نیز، جمعا در حدود ۱۴/۶۳ دوره می‌باشد. نمودارهای زیر نیز، احتمال باقی ماندن در دو رژیم را به صورت فصلی نشان می‌دهند:

نمودار (۱): نمودار مربوط به احتمالات رژیم‌ها

Markov Switching Filtered Regime Probabilities



منبع: محاسبات تحقیق

۵- بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ پرداخته شده است. متغیرهای تورم و رشد اقتصادی نیز، به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد شدند. نتایج برآوردها حاکی از آن است که در بین شاخص‌های عوامل نهادی، در هر دو رژیم متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون خشونت، تأثیر مثبتی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در مقابل در هر دو رژیم،

متغیرهای اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در نهایت، کیفیت مقررات در رژیم اول دارای تأثیر مثبت ولی در رژیم دوم، دارای تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی است. در توجیه تأثیرات مثبت چنین قابل اذعان است که نهادها با ایجاد یک ساختار باثبات در روابط انسانی، منجر به کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بهبود عملکرد مالی در بخش بانکداری اسلامی می‌شوند، ولی چنانچه اگر به لحاظ شاخص‌های نهادی شاهد وضعیت مناسبی نباشیم، در چنین حالتی می‌توان شاهد رابطه منفی و حتی عدم رابطه نیز بود، چرا که این وضعیت منعکس‌کننده حکمرانی ضعیف می‌باشد و طبیعتاً در چنین حالتی، حکمرانی ضعیف نمی‌تواند محرک مناسبی در جهت ارتقای مولفه‌های بانکداری اسلامی باشد، که آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی، منعکس‌کننده وضعیت نامساعد شاخص‌های نهادی در کشور می‌باشند. در هر دو رژیم نیز تأثیر تورم بر عقود بانکداری اسلامی، منفی و تأثیر رشد اقتصادی بر عقود بانکداری اسلامی، مثبت بود. نرخ تورم بالا منجر به افزایش عدم اطمینان و کاهش کارایی مکانیسم قیمت در تخصیص منابع می‌شود و لذا بی‌ثباتی بخش‌های مختلف اقتصادی من الجمله بازارهای مالی را به همراه داشته و در یک اقتصاد بی‌ثبات نیز، ارزش و بهره‌وری بازار پول کاهش می‌یابد و حجم تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکداری اسلامی در قالب عقود به علت ریسک ناشی از بازپرداخت بدهی و کاهش قدرت خرید، به طرز قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یابد. از طرفی نیز، افزایش رشد اقتصادی به‌واسطه افزایش تولید، می‌تواند منجر به افزایش درآمد و ثروت شده و انگیزه پس‌انداز و درنهایت انگیزه سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی را افزایش داده و برای تسهیلات بانکداری اسلامی نیز تقاضا ایجاد کند. همچنین لازم بذکر است که نتیجه مطالعه حاضر، با نتایج مطالعات داخلی و خارجی، هم‌خوانی دارد. حال با توجه به نتایج حاصل از فرضیات، پیشنهادات کاربردی_سیاستی نیز به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۱)، درجهت عملکرد هرچه بیشتر شاخص حق اعتراض و پاسخگویی، تقویت مردم‌سالاری و الویت‌بخشی به نظر اکثریت و توجه به خواسته‌های همگانی جامعه و تقویت نهادهای دموکراتیک، ضروری بنظر می‌رسد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۲)، جهت ایجاد زمینه‌های بیشتر برای شکل‌گیری ثبات سیاسی بدون خشونت، توجه بیشتر به آرا و نظریات اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی و پرهیز از هرگونه ایجاد تنش‌های سیاسی، می‌تواند ریسک سقوط و نابودی دولت را در جوامع فوق‌تاحد قابل توجهی کاهش دهد و در جهت ایجاد و گسترش فضاهای سیاسی باثبات در جامعه مؤثر واقع گردد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۳)، جهت اثربخشی هرچه بیشتر دولت، حذف نقش تصدی‌گری دولت و محدودنمودن وظایف دولت به ایفای وظایف حاکمیتی با هدف حفظ و بهره‌برداری بهینه از منابع جهت ارائه خدمات مولد و پایدار، می‌تواند با افزایش کارایی دولت و تقویت حقوق مالکیت، نقش قابل توجهی را در ارتقای عملکرد بانکداری اسلامی ایفا نماید.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۴)، تدوین قوانین و مقررات مناسب‌تر با ساختار کشور و حذف قوانین دست و پاگیر خصوصاً در زمینه قوانین اجرایی، می‌تواند به عملکرد هرچه بیشتر مقررات (کیفیت مقررات) منجر گردد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۵)، در جهت ارتقای سطح شاخص حاکمیت قانون، لازم است سیاست‌هایی در جهت گسترش دستگاه‌های قضایی مستقل، قابل پیش‌بینی و کارآمد، برقراری ثبات بیشتر در برنامه‌ها و اهداف طراحی‌شده دولت، ایجاد ساز و کارهای نوآورانه مانند روش‌های نوین برای حل منازعات، حفاظت بیشتر از حقوق

مالکیت و نظارت‌های کارا تر بر حسن اجرای قراردادها، صورت گیرد. باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۶)، در جهت کنترل هرچه بیشتر فساد نیز، سه راهکار عمده افزایش نظارت بر کارگزاران دولتی متصدی ارائه خدمات، شفاف‌سازی فرآیندهای اداری و کاهش شدت قوانین و مقررات به شکل جامع، پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آهنگری، عبدالمجید و رضائی، روح‌الله. (۱۳۹۰). بررسی رابطه علی بین دموکراسی و رشد اقتصادی: با استفاده از داده‌های ترکیبی. مدل‌سازی اقتصادی، ۱، ۴۷-۶۵.
- بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۳). قابل دسترسی در سایت <http://tsd.cbi.ir>.
- خداپرست مشهدی، مهدی، فلاحی، محمدعلی و رجب زاده مغانی، ناهید. (۱۳۹۵). بررسی نقش کیفیت نهادی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی. اقتصاد پولی و مالی، ۱۱، ۴۵-۲۶.
- خیاط رسولی، مینا، آل عمران، رویا، مهرگان، نادر و محمدزاده، پرویز. (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت نهادی دولت و نوع سیستم‌های مالی روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳۳، ۸۹-۱۱۹.
- سحابی، بهرام، اعتصامی، منصور و امین پور، خالد. (۱۳۹۲). پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب، ۱۲، ۱۱۸-۱۰۵.
- سرابی نوبخت، سمیرا و معدنچی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش و اهمیت بانکداری اسلامی در پیشگیری از بحران‌های مالی. کنفرانس بین‌المللی مدیریت حسابداری اقتصاد و بانکداری نوین.
- سلیمانی، مرتضی، پایتختی اسکوئی، سید علی، دیزجی، منیره و اسکندری سبزی، سیما. (۱۴۰۱). تأثیرات غیرخطی جهانی‌شدن بر توسعه مالی در ایران: رهیافت مارکوف سوئیچینگ. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳۸، ۳۰۹-۲۸۳.
- شریف آزاده، محمدرضا و حسینی بحرینی، محمد. (۱۳۸۲). تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸). نامه مفید، ۳۸، ۱۵۹-۱۹۲.
- شهبازخانی، ولی‌الله و صادقی، اسما. (۱۳۹۴). بررسی نقش بانکداری اسلامی در توسعه کشورهای اسلامی مطالعه موردی ربا در کشور ایران و اردن. اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم اجتماعی.
- صداقت کالمرزی، هانیه، فتاحی، شهرام و سهیلی، کیومرث. (۱۳۹۸). شواهدی جدید از رابطه رانت نفت و رشد اقتصادی در کشورهای اوپک: کاربردی از مدل ترکیبی مارکوف سوئیچینگ آستانه‌ای. مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۳، ۳۷-۵۸.
- عزتی، مرتضی، عاقلی، لطفعلی و کرمی، وجیهه. (۱۳۹۸). ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای اسلامی منتخب. پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۲، ۶۰-۳۵.
- عزیزی، زهرا، براری، آسیه و احمدپور کچو، علی. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا). مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱، ۲۷۸-۲۵۱.
- کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم و دورباش، معصومه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمران خوب بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد تصحیح خطای برداری. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۳، ۱۲۷-۱۵۵.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۳). قابل دسترسی در سایت <https://amar.org.ir>.
- هدایتی، سیدعلی اصغر، سفری، علی اصغر، کلهر، حسن و بهمنی، محمود. (۱۳۹۱). عملیات بانکی داخلی (تخصیص منابع). بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: موسسه عالی بانکداری ایران.

- Alraheb, T. H., Nicolas, Ch., & Tarazi, A. (2019). Institutional environment and bank capital ratios. *Journal of Financial Stability*, 43, 1-24.
- AsifKhan, M., AtifKhan, M., Elyas Abdulahiad, M., Liaqat, I., & HussainShaha, S. S. (2019). Institutional Quality and Financial Development: The United States Perspective. *Journal of Multinational Financial Management*, 49, 67-80.
- Asutay, M., & Mohd Sidek, N. Z. (2020). Political economy of Islamic banking growth: Does political regime and institutions, governance and political risks matter?, *International Journal of Finance & Economics*, 1-36.
- Balcerzak, A. P., & Pietrzak, M. B. (2016). Quality of Institutions and Total Factor Productivity in the European Union. *Statistics in Transition*, 3, 497-514.
- Cheng, T., Gao, J., & Yan, Y. (2019). Regime switching panel data models with interactive fixed effects. *Economics Letters*, 177, 47-51.
- Cheona, S., Dowallb, D. E., & Songc, D. W. (2010). Evaluating Impacts of Institutional Reforms on Port Efficiency Changes: Ownership, Corporate Structure, and Total Factor Productivity Changes of World Container Ports.
- Foster, N., Pöschl, J., & Stehrer, S. (2012). Manufacturing Productivity: Effects of Institutions and Service Sector Innovations. *The Vienna Institute for International Economic Studies*, 3, 1-16.
- Freedom House. (2024). Retrieved from <https://freedomhouse.org/>.
- Hayat, A., & Cahlik, T. (2017). FDI and Economic Growth: A Changing Relationship Across Country and Overtime. *MPRA Paper*, 78240, 1-21.
- Masron, T. A. (2013). Promoting Intra-ASEAN FDI: The Role of AFTA and AIA. *Economic Modelling*, 31, 43-48.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicators : A Summary of Methodology, Data and Analytical Issues. *World Bank Policy Research Working Paper*, 5430, 1-28.
- Matemilola, B. T., Bany-Ariffin, A. N., Azman-Saini, W. N.W., & Annuar, M. N. (2019). Impact of institutional quality on the capital structure of firms in developing Countries. *Emerging Markets Review*, 39, 175-209.
- Muye, I. M., & Muye, I. Y. (2017). Testing for causality among globalization, institution and financial development: Further evidence from three economic blocs. *Borsa Istanbul Review*, 2, 117-132.
- Shahinpoor, N. (2009). The Link between Islamic Banking and Micro financing. *International Journal of Social Economics*, 36, 997-1007.
- Touil, M., & Mamoghli, Ch. (2020). Institutional environment and determinants of adjustment speed to the target capital structure in the MENA region. *Borsa Istanbul Review*, 16, 1-23.
- World Bank. (2024). The Worldwide Governance Indicators (WGI) project reports. Accessed at <https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators>.